



پاسخ به یک اظهار نظر اشتباه درباره گزارش «پیرپسر» کیهان

در روزهای گذشته، گزارش ما درباره وضعیت سالن‌های نمایش فیلم «پیرپسر» و خلوتی آنها در برخی سانس‌ها واکنش‌هایی را برانگیخت که یکی از این واکنش‌ها از سوی سردبیر یک نشریه سینمایی قدیمی بود. متأسفانه به نظر می‌رسد واکنش او به کلی با منظور گزارش ما فاصله داشته و برداشت نادرستی از آن ارائه کرده است. جای تعجب است، کسی که ده‌ها سال تجربه ژورنالیستی در زمینه سینما دارد، نتواند مفهوم یک گزارش میدانی ساده درباره وضعیت واقعی فروش بلیت و حضور تماشاگران را درک کند.

در گزارش ما، محور اصلی مسئله خلوتی سالن‌ها و تعداد محدود تماشاگران فیلم «پیرپسر» در سانس‌های مختلف بود، نه بحث تقلب در فروش بلیت یا ادعای ایجاد آمار جعلی. بررسی ساده نشان می‌دهد که این فیلم، با مدت زمان

تقریبی ۳ ساعت، روزانه بیش از هزار سانس در سراسر کشور داشته است. مشاهده این سانس‌ها و وضعیت فروش بلیت آنها از طریق درگاه‌های رسمی امکان‌پذیر است و آمار نشان می‌دهد که بسیاری از سالن‌ها همچنان خالی هستند. سؤال ما روشن است: چرا با وجود تعداد کم تماشاگر و خلوت بودن سالن‌ها، این فیلم همچنان روی پرده باقی می‌ماند و از حمایت و تداوم اکران برخوردار است؟

همچنین، نکته قابل توجه این است که طبق برآوردهای رسمی، حدود ۱۵ درصد جمعیت کشور فرصت دیدن این فیلم را داشته‌اند. در حالی که فردی در صفحه ایشان، ادعا کرده هشت بار شخصاً برای تماشای فیلم به سینما رفته است، که یعنی باید میزان مخاطبان را کمتر هم دید.

البته نکته دیگری که در گزارش بدان اشاره کرده بودیم، خریداری ردیف انتهایی سالن و یا

خرید صندلی‌های گوشه و کنار سالن‌ها است که چند نکته درباره آن مطرح است: طبیعی است که کنسندگان برای روی پرده بودن فیلمشان دست به خرید بلیط بزنند و این اتفاق سابقه بسیار نیز داشته است اما چگونگی این فیلم به مدت طولانی این کار را انجام داده است و هزینه کلاتی را صرف کرده است. همچنین ما ادعا نداشتیم که تمام سالن را خریده‌اند که این نیز از برداشت‌های اشتباه این ژورنالیست باسابقه درباره گزارش ما بود اما این تعداد خرید بلیت نیز وجود داشته و انکارناپذیر است.

در مورد اشاره ایشان به صحت‌های یک سالن‌دار سینما درباره «عدم امکان تقلب در سیستم اکران»، لازم است تأکید کنیم که گزارش ما هیچ‌گاه مدعی تقلب گسترده نبوده و تنها بر خلوت بودن سالن‌ها و تناقض میان تبلیغات



گسترده و واقعیت فروش بلیت و همچنین باقی بودن در چرخه اکران تمرکز داشته است. برداشت او از سخنان ما، غویای عدم فهم درست موضوع است.

تصویر مقابل پلان سالن پردیس رمال برای فیلم «پیرپسر» است که از مدتی این پردیس سینمایی به عنوان متخصص ۳۰ سال اکران سینما نقل قول شده بود. در تصویر واضح است که تنها مدتی اندک پیش از اکران فیلم در سالن، یک ردیف انتهایی به صورت کامل پر است و الباقی سالن سراسر خالی است. در واقع از سالتی که ۱۰۰ نفر ظرفیت دارد، ۱۲ صندلی انتهایی را خریده‌اند تا فیلم از کف فروش نیفتد. حال این خاتم لطف کند و بگوید این سالن خالی و آن ردیف انتهایی پر به چه معاست؟ آیا مخاطبان صندلی گوشه انتهایی راست و گوشه انتهایی چپ را خریداری می‌کنند

اما صندلی‌های خوب وسط سالن را خریداری نمی‌کنند؟ این خاتم با سابقه بیش از ۳۰ سال‌ه‌اش لطف کند و پاسخ دهد. ضمناً این سالن‌دار سینما در صحبت‌هایش یک مطلب کذب از قول کیهان نقل کرده بود (یکسان بودن پلان آنلاین سالن‌ها و تعداد تماشاگری که به سالن رفته) که کیهان چنین ادعایی نداشت. همچنین بعد از این مقایسه به جای نتیجه‌گیری صحیح با غلط بودن ادعای

ناکرده کیهان، نتیجه‌ای دیگر گرفته بود: که «پس این فیلم پر فروش است!» یعنی به جای رد یا تأیید ادعای کیهان، یک نتیجه دیگری گرفته شد. درواقع با نوعی فسفسطه پاسخی داده است که ربطی به محبتی که مطرح کرده بود نداشت. مثل آن فرد بی‌سوادی که روزنامه را برعکس گرفته بود و همین ضرورت پاسخ‌گویی دقیق و مستند را برجسته می‌کند و نه ادعاهای عجیب و غیرمستند.

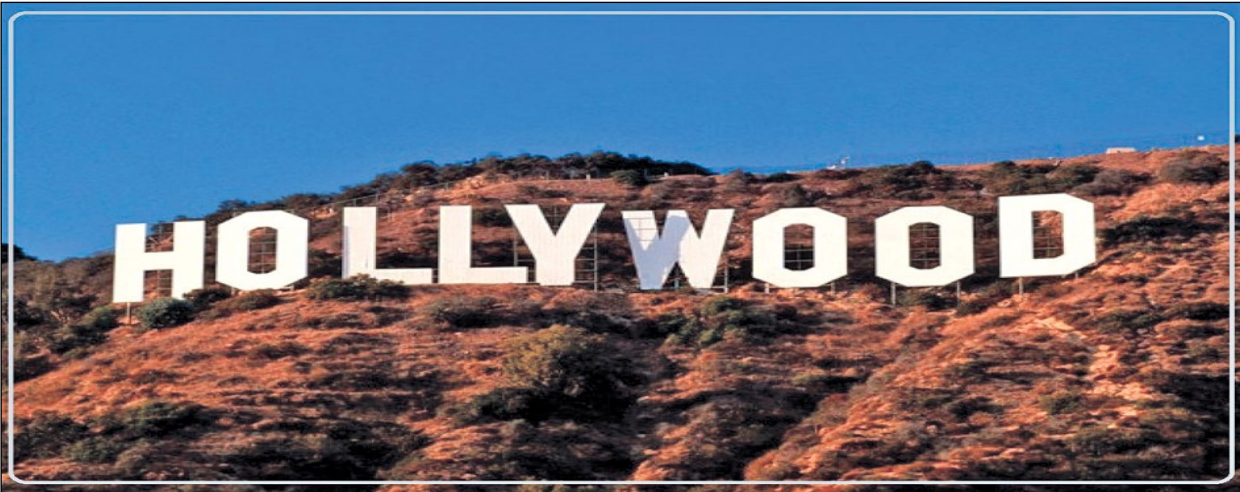
در نهایت، هدف ما ارائه تصویری واقعی از وضعیت حضور مخاطب در سینماهاست، نه زیر سؤال بردن حرفه و تلاش تهیه‌کنندگان. اما بی‌توجهی به داده‌های واقعی و برداشت‌های نادرست از گزارش، به جای روشنگری، موجب ایجاد سردرگمی در افکار عمومی می‌شود و همین ضرورت پاسخ‌گویی دقیق و مستند را برجسته می‌کند و نه ادعاهای عجیب و غیرمستند.

از زمانی که مارتین‌هایدگر، فیلسوف بزرگ آلمانی، رساله عصر تصویر جهان را نوشت تا به امروز ایده بنیادی او در این مقاله به نحو فراگیرتری جای خود را در جهان علوم انسانی باز کرده است.

هایدگر در این مقاله استدلال می‌کند که ویژگی اصلی عصر مدرن، تبدیل جهان به یک «تصویر» است. در این نگرش، جهان همچون یک ایزه (شیء) در برابر سوزه (انسان) قرار می‌گیرد تا به طور نظام‌مند شناخته، کنترل و بهره‌برداری شود. در دوران باستان و قرون وسطی، انسان خود را جزئی از جهان می‌دید که در برابر رازآمیزی آن تواضع می‌کرد اما در عصر مدرن، انسان به مرکز جهان تبدیل می‌شود و جهان را به عنوان یک «مایش» representation تنظیم می‌کند. او ریشه تصویرسازی جهان را در سوزه‌گرایی مدرن می‌داند؛ یعنی انسان به عنوان سوزه subject خود را پایه و اساس همه چیز قرار می‌دهد، نگرشی که با داکتر آغاز می‌شود و در ایده‌آلیسم آلمانی کانت و هگل به اوج می‌رسد. این سوزه‌گرایی، وجود را به «بازنمایی ذهنی» تقلیل داده و جهان را به منبعی قابل محاسبه تبدیل می‌کند که تنها در خدمت اراده انسان است. او علم مدرن را نه صرفاً یک روش شناخت، بلکه شیوه‌ای از در جهان بودن می‌داند که طبق آن جهان به عنوان یک سامانه علی تعریف می‌شود که می‌توان آن را پیش‌بینی و کنترل کرد. این تصویرسازی از جهان مستقیماً به فن‌آوری مدرن مرتبط است. در این قرائت، فن‌آوری صرفاً ابزار نیست، بلکه روشی برای آشکارسازی وجود است که در آن، جهان به عنوان

«ذخیره‌ای» برای بهره‌برداری فنی ظهور می‌کند. سواي نهدهایی که خود هایدگر متوجه این نوع نگاه به جهان می‌کند، در خلال این مقاله سخن از تصویر به میان آورده کسه می‌تواند به عنوان مفهومی قابل استفاده برای تبیین وضع موجود به کار رفته، و نیز کلیدی مفهومی برای فراژوی به سمت وضعیتی متفاوت را در دسترس قرار دهد. هر جهانی پیش از ساختا شده نیازمند تصویری است که انسان‌ها به عنوان ساکنان عالم در ذهن خود می‌سازند. در قالب این تصویر است که ما متوجه وضعیت حال حاضر و وضعیت بعدی می‌شویم و برای رسیدن به آن تلاش می‌کنیم، تا چنین تصویری نباشد تکاپوی ما کمابیش بی‌هدف و خنثی خواهد بود.

سینما، به عنوان هنری تصویری که در آن بازنمایی به واقعی‌ترین شکلس ظهور دارد، شاید



درنگی بر وضعیت سینمای ایران از منظر فلسفه فیلم – ۱

عصر تصویر جهان و سینمای بی‌تصویر ما

مصطفی مرشدلو

رؤیای آمریکایی صورتبندی شده تمام ماهیتش جویان، خصوصاً در دو قسمت آخر این مجموعه، نگاهی کوتاه به تاریخ سینما در غرب و آثاری که در همین دوران اخیر در هالیوود تولید می‌شوند، و تحلیل محتوای آنها، به خوبی نشان‌دهنده همین سیطره نگاه تصویرسازی از جهان در قالب فرم سینمایی است. پروژه‌های سینمایی مارول شاید نمونه بسیار صریح سیطره اندیشه‌های نوابع علمی، در قالب گروه‌هایی علمی، چنین سیطره‌ای را محقق کرد.

بنای می‌شوند. به طور نمونه در مجموعه انتقام جویان، خصوصاً در دو قسمت آخر این مجموعه، جنگ ابدیت و پایان بازی، ایده کلونی فیلم حول و حوش در اختیار گرفتن مالکیت سنگ‌های ابدیت است که برای مالک‌اشان زمینه سیطره بر زمان و مکان را فراهم می‌کند. این تصویرسازی‌ها در ذهن مخاطبان این ایده را القاء می‌کنند که چنین سیطره‌ای در دسترس است و می‌توان با هم‌افزایی موفقیت در بستری کاملاً آزاد و بدون وجود مانع در اختیار همه است و در آن فر انسانی می‌تواند

تحریم اقتصادی، علمی و فرهنگی علیه اسرائیل را با پشتیبانی اتحادیه‌های کارگری، سازمان‌های دانشجویی و چهارده مشهور جهانی انجام می‌دهد. فعالیت‌های دانشجویی و دانشگاهی موسوم به SIPJ (Students for Justice in Palestine) که شبکهای از گروه‌های دانشجویی در آمریکا و اروپا هستند خواستار تحریم دانشگاه‌های اسرائیلی هستند و در اعتراض به همکاری دانشگاه‌ها با مؤسسات نظامی اسرائیل، کنفرانس‌ها و میزگردهای را با رویکرد و هدف روشنگری درباره وضعیت فلسطین برگزار می‌کنند.

جنبش‌های کارگری و اتحادیه‌ها علاوه بر آنکه دست به تحریم کالاهای اسرائیلی زدند و با عدم فروش محصولات تولید شده در سرزمین‌های اشغالی خسارات مادی هنگفتی به اقتصاد این رژیم وارد کردند با انجام اعتصاب و تحریم، اقدامات نمادین برای مخالفت خود با این رژیم را نشان دادند.

فعالیت‌های پارلمانی و سیاسی با رویکرد صدور قطعنامه‌های ضد اسرائیلی قبح‌شکنی اعجاب انگیزی بود که در پارلمان‌های اروپایی و برخی کشورها مشاهده شد و احزاب سیاسی حامی فلسطین، مانند حزب کارگر بریتانیا و برخی احزاب چپ در اروپا به طور علنی مواضع

ضد صهیونیستی از خود نشان دادند. مسلم است که به آنچه که تاکنون بر شمرده شد؛ گروه‌های دیگری از جمله ورزشکاران و حامیان تیم‌های ورزشی را نیز می‌توان اضافه کرد که در استنادیوم‌ها به اعتراض به رژیم صهیونیستی پرداختند و با گروه‌های ورزشی اسرائیل را وادار به خروج از تورنمنت‌های خاصی مثل دوچرخه‌سواری در اسپانیا و ایتالیا کردند.

مجموع این اقدامات و بروز و ظهور گروه‌های اجتماعی و جریان‌های مردمی نشان‌دهنده گسترش آگاهی جهانی درباره ظلم‌های رژیم صهیونیستی و افزایش فشار بین‌المللی برای تغییر سیاست‌های اسرائیل است که اگرچه اسرائیل سعی در مقابله با این جنبش‌ها دارد، اما به نظر می‌رسد این حرکت‌ها به تدریج در حال تأثیرگذاری بیشتر هستند و آنچه که شکل گرفته است به رغم پیش‌بینی رژیم صهیونیستی شکلی از جنگ ترکیبی بر علیه خودش هست که معمولاً به‌طور خاص و عام و بر سایر کشورها به کار می‌گیرد؛ اما این بار متفاوت شده و به اصطلاح «چاقو دسته خودش را برید».

چاقوویی که دسته خودش را برید!

عزیزالله محمدی(امتدادجو)

جنگ ۱۲ روزه بین ایران و اسرائیل در ژوئن ۲۰۲۵ یکی از مهم‌ترین تحولات نظامی و سیاسی در غرب آسیا به شمار می‌رود که در همه شئون خود توجه تحلیلگران جهانی را به خود جلب کرد. این جنگ با حمله اسرائیل به ایران تحت عنوان «عملیات طلوع شیران» آغاز شد و ایران آن را همه ابعاد به صورت غیر قابل باوری با عملیات «وعده صادق ۳» پاسخ داد.

به‌رغم آنکه لحظات اولیه عملیات از سوی اسرائیل همراه با حمله به حدود سیصد نقطه - بر اساس اعلام خود آنها- بود؛ اما در ادامه با تدابیری که در ایران صورت گرفت؛ روند جنگ به گونه‌ای شد که لحظه به لحظه روایت جنگ به نفع ایران در همه ابعاد تغییر می‌کرد؛ تا اینکه! حتی آمریکا نیز به طور مستقیم وارد این جنگ شد و در نهایت با عواقب خفت باری که ایران بر آنها تحمیل کرده؛ عرصه را ترک و صفاً ایران نیست، بلکه روشی برای تحلیل‌های متفاوتی در سرتاسر جهان نسبت به این موضوع و فرآیند طی شده جنگ از زوایای مختلف ارائه شد که برجسته‌ترین تحلیل‌ها را با توجه به چندی و سنجی و ترکیبی؛ بودن این جنگ در حوزه‌های رسانه‌ای، اجتماعی و نظامی می‌توان جست‌وجو کرد تا از بستر این تحلیل‌ها «دنبوخته ساختنی و ادراکی» برای آینده به دست آورد.

نظامی و امنیتی

جنگ عمدتاً به صورت هوایی انجام شد و دشمن تأسیسات هسته‌ای ایران از جمله فردو و نطنز را هدف قرار داد. ایالات متحده نیز در ۲۲ ژوئن به اسرائیل پیوست و در حمله به تأسیسات فردو مشارکت کرد. در مقابل، ایران با تکیه بر مدیریت داخلی در حوزه فرماندهی و با قدرت و توان موشکی محاسبات اولیه را کاملاً بر هم زد و هر چه جنگ به پیش رفت ابتکار عمل بیشتر به دست ایران افتاد.

تلفات و خسارات

رئیس بنیاد شهید و امور ایثارگران در گفت‌وگوی اختصاصی با خبرنگاران گفت: در

جنابایی که رژیم صهیونیستی در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه انجام داد، هزار و ۶۴ نفر به شهادت رسیدند و ۵ هزار و ۸۰۰ نفر مجروح شدند که ۹۲ درصد از آنان به صورت سربایی مداوا و مرخص شده‌اند؛ اما در مقابل با وجود سانسورهای شدید اطلاعاتی در سرزمین‌های اشغالی به نقل از وبسایت «هس» که خبرگزاری‌های مختلف بعد از هک شدن این وب سایت صهیونیستی منتشر کردند؛ آمار اشغالگران که در جنگ با ایران به هلاکت رسیدند متفاوت از آمارهایی است که رژیم صهیونیستی آن را اعلام کرده و کماتن نیز ابعاد جدیدتری از تلفات و خسارات با این سایت صهیونیستی میزان تلفات چنین است: ژنرال ارشد نظامی ۶ نفر، افسر موداد ۲۲ نفر، افسر شین بت ۷۸ نفر، افسر نیروی دریایی ۲۷ نفر، افسر نیروی هوایی ۱۹۸ نفر، سرباز ۴۶۲ نفر، دانشمند هسته‌ای ۱۱ نفر و در مجموع بیش از ۸۰۵ صهیونیست کشته شدند و بلومبرگ میزان خسارات رژیم اشغالگر را ۳۰ میلیارد دلار تخمین زد.

واکنش‌های بین‌المللی

سازمان‌های بین‌المللی در ظاهر تنها خواستار توقف درگیری‌ها شدند و بر ضرورت محافظت از غیرنظامیان تأکید کردند. همچنین، برخی کشورها از جمله قطر در برقراری آتش‌بس تلاش میانجی‌گرانه کردند.

۲. نفوذ منطقه‌ای ایران: حضور ایران در کشورهای مانند عراق، لبنان و یمن از دید اسرائیل و آمریکا تهدیدی برای منافع آن‌ها است و این موضوع را سدی در برابر منافع استعماری خود می‌بینند.

۳. توان دفاعی و موشکی ایران: توسعه توان موشکی ایران برای اسرائیل و آمریکا غیرقابل تحمل است.

فضای سیاسی و دیپلماتیک

آتش‌بس و نقش میانجی‌گران: آتش‌بس با دخالت و وساطت آمریکا و قطر برقرار شد. اگرچه اسرائیل پس از آتش‌بس ادعا کرد که یک موشک به سمت ایران شلیک کرده، اما دونالد ترامپ از اسرائیل خواست به آتش‌بس پایبند بماند؛ و ایران نیز تا لحظه آخر اعلام آتش‌بس، کوبنده‌ترین حملات موشکی خود را ادامه داد.

واکنش‌های حقوق بشری

سازمان‌های حقوق بشری خواستار تحقیق در مورد نقض حقوق بشر در طول درگیری شدند. آن‌ها بر محافظت از غیرنظامیان و پایبندی به قوانین بین‌المللی تأکید کردند. اما به جنابایی که رژیم صهیونیستی در حمله به غیرنظامیان و مناطق مسکونی و دانشمندان داشت واکنشی نشان ندادند.

تحلیل رسانه‌ای و افکار عمومی

پوشش رسانه‌ای: رسانه‌های جهانی به طور گسترده‌ای این درگیری را پوشش دادند. برخی رسانه‌ها بر تلفات غیرنظامیان و تخریب زیرساخت‌ها



رژیم صهیونیستی برخاستند به طور چشمگیری افزایش پیدا کرد و جهان، شاهد یک تقسیم‌بندی معناداری در واکنش به این جنگ شد که تبعات آن را حتی در نشست عمومی سازمان ملل و به هنگام سخنرانی تلنایوها نیز شاهد بودیم که طی آن به جز حضور چند کشور معذود، سالن خالی از نمایندگان کشورها شد.

می‌توان گفت از عملیات طوفان الاقصی به بعد و بعد از تحولات و وقایع غزه و به ویژه پس از آغاز جنگ ۱۲ روزه، جریان‌های اجتماعی متعددی در سطح جهان علیه رژیم صهیونیستی و سیاست‌های آن شکل گرفته و فعال هستند. که پیش از این، این نوع جریان‌ها به عنوان سرمایه اجتماعی تحت عنوان افکار عمومی برای اسرائیل شناخته شده بود. به طور کلی فعالیت این جنبش‌ها ریشه در اعتراض به اشغالگری، نقض حقوق بشر، آپارتاید و سیاست‌های نظامی اسرائیل دارند. که به مهم‌ترین این جریان‌ها می‌توان اشاره کرد.

جنبش بین‌المللی تحریم، عدم سرمایه‌گذاری و تحریم BDS) که با هدف پایان دادن به اشغالگری و برابری کامل حقوق برای فلسطینیان و حق بازگشت آوارگان فعالیت می‌کند و اقداماتی شامل